

خاموش‌گیری حیات و فکر و فن

♦ دکتر محمد الطاف بت

زبان فارسی در کشمیر بیش از هفت صد سال پیش وارد شد. این زبان به عنوان زبان اسلامی در این وادی دلاویز ورود پیدا کرد. در اصل کشمیر خطه‌ای است که مشاهد را به ورطه حیرت می‌اندازد. سده‌ها گذشت و جاذبیت و جالبیت این سرزمین با هر صبح نودمیده با رنگِ دیگر و با کششِ تازه جلوه‌نمایی می‌کند. هر بیننده با دید مخصوصی این سرزمین بی‌مثل را نظاره می‌کند. شاعری در نغمه‌ریزی‌های رودها و چشمه‌سارهای کشمیر آواز دلش را می‌شنود. عاشقی در جگرِ خون‌رنگ لاله داغ جدایی را می‌یابد. محبوبی چون صدای بلبل می‌شنود به صورت گل و نرگس راه‌گذر دوست را با چشم‌های پُرانتظار بوسه می‌دهد. چون عارفِ خدامستی به سبزه‌زارهای وسیع و هموار و شکوفه‌ها و گل‌های رنگارنگ و جویبارهای تسنیم و کوه‌های سبزپوش و فلک‌بوس و بادِ روح‌بخش و نغمه‌ریزهای کشمیر دل می‌سپارد، و این‌گونه به هر مشاهدی به خواهش دل سرمایه‌ی بیش‌بها فراهم می‌آورد. خداوند کریم این کاینات بی‌حد و حساب جبین این قلمرو حسن و جمال را با زیورهای نوازش خود هم‌مزین ساخت. به این علت کشمیر در مهد خویش مفکران و محققان و شاعران و عاشقان و عارفان را پرورش داد.

تاریخ گواه است زبان فارسی تقریباً از آغاز عهد شاهمیری (۱۳۳۹-۱۴۲۰م) تا اوایل دوره دوگران (۱۸۴۶-۱۸۸۵م) زبان رسمی وادی کشمیر بود.^۱ در این عرصه

♦ استادیار بخش اردو و فارسی، دانشگاه گرونانک دیو، امرتسر، پنجاب هند.
۱. دانش، مجله ادبی و تحقیقی، شعبه فارسی دانشگاه کشمیر، ص ۱۳؛ کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، عبدالقادر سروری، ص ۲۶۰، ۴۲.

درازآهنگ هزارها کتاب با این زبان شیرین به وجود آمد، که مشتمل‌اند بر متون نثر و نظم از غزل و قصیده و رباعی و مثنوی. شعرا و ادبا در موضوعات رنگ‌رنگ مثل تصوّف، فلسفه و معاشیات و تاریخ و تهذیب و تمدن و... قلم‌رانی کرده‌اند، و این هزارها کتاب در کتب‌خانه‌های جهان باعث زینت و آرایش آن‌ها شده است. رشحات قلم شعرا و ادبای ما هم امروز نیز در میان علم و فن همچون بهار جلوه‌گری می‌نماید، و این حاصل ذهن و تهذیب و تمدن و ثقافت ما تا ابد محفوظند. ولی متأسفانه از قرن بیستم میلادی به علت معرفت زبان انگلیسی و اردو و شامل شدن آن در برنامه‌های دروس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، دامنه کار بر زبان فارسی کم‌کم کاهش یافت. در این اوضاع نیز زبان فارسی پهلو به پهلو زبان انگلیسی و اردو گام برمی‌داشت و شاعران و نویسندگان بنام به وجود آمدند.

در کشمیر عصر حاضر زبان فارسی اندک خستگی اختیارکرد، چونان که قبلاً اشاره شد سبب آن این است که زبان انگلیسی رفته‌رفته در این وادی وسعتی پیدا کرد. دانشجویان و پژوهش‌گران معاصر توجه‌شان برای فراگیری زبان انگلیسی و زبان اردو بیشتر مایل می‌شود، چون دروازه‌های معاش و مدخل زندگی آنها به کلید انگلیسی و اردو بازمی‌گردد، لهذا قلم‌کاران و شعرا و ادبا هم مایل به اردو و انگلیسی شدند، و کمتر توجه به زبان فارسی نشان می‌دهند. با وجود این زبان فارسی فعلاً در کشمیر به عنوان زبان کلاسیک تدریس می‌شود، و این زبان هنوز هم در طبقه‌های تحصیل‌کرده سرزمین کشمیر زنده و پویاست. بسیاری هستند که سابقاً این زبان را یادگرفته‌اند و حالا هم به زبان فارسی عشق می‌ورزند، و آن را پاس می‌دارند. نویسندگان، شاعران و سخنوران معاصر مانند مولانا سید مبارک‌شاه فطرت، سید شمس‌الدین اندرابی غمگین، حکیم‌الدین سائف، سید عبدالجبار خاموش، پروفیسور نندلال کول طالب، پروفیسور شمس‌الدین احمد، آغا سید محمد باقرالموسوی، میرک‌شاه کاندھمی، حکیم سید محمد انیس کاظمی، مولانا شمس‌الدین حیرت کاملی، سید محی‌الدین آواز غمگین، پروفیسور مرغوب بانھالی، پروفیسور رحمان راهی، میر غلام رسول نازکی، پروفیسور غلام رسول جان، دکتر نیلوفر ناز نحوی، پروفیسور دکتر رقیه خانم، دکتر عابد گلزار، پروفیسور نیازمند و غیر آنان به زبان فارسی تصنیفات و تألیفات دارند، و نیز به زبان فارسی شعر می‌سرایند.

بین متذکره بالا در قرن بیستم میلادی سید عبدالجبار خاموش کریری یکی از پُرکارترین دانشمندی است که در بخش ادبیات فارسی در کشمیر آثار تحقیقی از خود به جا گذاشته است. او تقریباً سراسر عمر خود را در راه خدمت به فرهنگ و ادب فارسی و نیز زبان و ادبیات کشمیری و اردو صرف کرد و کلام وی شامل به نثر و نظم است.

زندگانی سید عبدالجبار خاموش کریری

اصل نام سید عبدالجبار متخلص به خاموش روز جمعه ۴ ربیع الاول در سال ۱۳۳۰هـ/ ۶ فروری ۱۹۱۲ میلادی در قصبه کریری، پتن باره موله [یکی از ایالت کشمیر] به دنیا آمد. وی سال ولادت خودش را به نظم این طور می‌سرایند:

مهمان چند روزم در دیر بی‌قراری دُنْیای دُون ندارد قانون پایداری
سال ولادت خود کردم رقم به تحقیق یعنی ز خاطر خوش جَبَّار شاه بخاری^۱
نام پدرش سید غلام محمد شاه بخاری بود.^۲ نام مادرش سیده مه‌النساء بیگم بود.
درباره سلسله نسب خودش در اشعار زیر این طور تشریح می‌کند:

صل ربی علی النبی و علی	آله ذی المراتب الاعلی
مرتضی و حسین شهید سعید	زین العابدین در توحید
باقر و جعفر صداقت خو	کاظم ست و علی تقی نکو
هم نقی ست و بعد از آن جعفر	یادگارش نکو علی اصغر
میر ز عبدالله است و احمد یاد	میر محمود و شه محمد شاد
جعفر ثالث و علی جلال	میر احمد کبیر صاحب حال
میر سید جلال الدین مخدومی	نامور همچو عارف رومی
ناصرالدین با علاؤالدین	لایق افتخار فخرالدین
سید حاجی مراد مرد عقیف	بوسعید و عزیز و میر شریف
زاهد و قاسم آنکه حاجی بود	میر عبدالله ز اهل شهود

۱. نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، غیر مطبوعه، ص ۴۰.

۲. سید غلام محمد شاه بخاری یکی از عالم، صوفی بزرگ و استاد زبان فارسی و عربی زمان خود به شمار می‌رفت. چون خاموش تحصیلات ابتدایی خود را پیش پدرش پایان رسانید.

میر عبدالرحیم و سید و میر حاجی عبدالکریم صاف ضمیر
 میر اسدالله و حمید و سعید میر سلطان را شرف بخشید
 میر سید خلیل خاص اله با عزیزالله و محمدشاه
 در حساب آمدند چهل تن این نزد یزدان شافع من این
 این نه دعوی باطل است خاموش
 بلکه اظهار حق به دانش و هوش^۱

خاموش احوال و زندگانی خود را در آثار خود به تفصیل شرح داده است. از آثار وی معلوم می‌شود که سلسله نسب وی به امام عالی مقام حضرت علی ابن ابوطالب می‌رسد. در کشمیر جد امجد سادات بخاری کریری سید عزیزالله بن شرق شاه بود. پدر خاموش سید غلام محمد فرزند سید عزیزالله بود. خاموش دارای چهار فرزند به نام سید شمس‌الدین، سید محمد مقبول هر دابوره جانشین وی و سید نورمحمد.

خاموش کریری تحصیلات ابتدایی خود را پیش پدر خود به پایان رسانید. در زمان وی آنجا معمول بود که بعد از یادگرفتن الفبای عربی بچه‌ها معمولاً به حفظ کردن قرآن می‌پرداختند. خاموش در اوایل زندگی قرآن را از برکرد. بعد از آن به فراگیری علوم دینی پرداخت که در بین آنها زبان عربی هم به مانند زبان فارسی اهمیت خاصی داشت. وی تحصیلات و زبان و ادبیات فارسی را بعد از پدر بزرگوارش پیش مفتی سید عنایت‌الله شاه بخاری که یکی از علمای مشهور کشمیر بوده است، کسب فیض نمود. پس از آن هفت سال نیز پیش استاد سید ثناءالله به فراگیری علوم دینی پرداخت. در بیست‌سالگی از میان سلسله‌های صوفیان او به سلسله کبرویه پیش غلام محمد شاه اندرابی کراپوری متابعت داشت. پس از آن سلسله‌های صوفیان قادریه پیش بزرگ صوفی مولانا سید عبدالله شاه بخاری منطقی عالی کدل، سرینگر که از پیروان این سلسله بوده است، بسیار ارادت می‌ورزید.

موصوف ابتدای علوم مروجه از مقامی دبیرستان دولتی جماعت پنجم را با درجه اوّل گذرانید. بعد از آن برای تحصیل بیشتر انگلیسی به باره موله رفت و در دبیرستان

۱. شجرة المراد، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، ص ۴۸.

مشهور «سینت جوزف» ثبت نام کرد. همین‌جا جماعت نه [۹] را به درجهٔ اوّل گذرانید و فارغ تحصیل شد. بعد از آن مصروف به مطالعهٔ کتاب‌های فارسی مانند گلستان سعدی، بوستان سعدی، پنج‌گنج نظامی، بهار دانش، مغازی‌النبی از صرفی و یوسف و زلیخای جامی و غیره شد.

خاموش کریری مانند مردی بی‌باک از جرأت علمی برخوردار است و با دیدهٔ روشن‌فکرانه مسایل دینی، علمی و ادبی را همواره مورد بحث قرار می‌داد، چون به صفات ذوق سلیم و دانش وسیع متصف بود. وی عادتاً آدمی ساکت، شکسته‌نفس، همدرد و مهربان بود. او همیشه پایند آداب و اخلاق ماند و دارای عقاید افکار اسلامی بود. وی به زبان اردو، عربی، کشمیری و فارسی تسلط داشت، ولی با زبان فارسی عملاً علاقه مخصوص داشت. خاموش در تمام زندگانی خود خدمت به شعر و ادب اردو، کشمیری و فارسی را اختیار نمود. سرانجام در ششم رجب‌المرجب ۱۳۹۳ هـ/ ۱۶ آگوست ۱۹۷۳ م در شصت‌سالگی چشم از جهان برپست. این مرد پُرکار یک سال قبل از مرگ خود ماده تاریخی در قالب نظم سروده بود و در آن به تاریخ وفات خود اشاره کرده است، و مرگ وی همین‌طور اتفاق افتاد. این ابیات را که وی در آن مرگ خود را پیش‌بینی نموده است را ملاحظه بفرمایید:

دار دنیا فانی است ای نیک‌خو	تا توانی دل منه هرگز بر او
قبلهٔ من شاه محمد از عزیز	از خلیل‌الله همین فرزند او
سال نقل من کسی گر پرسیدت	وای کش پس جتتی خاموش گو

۱۳۹۳ هـ

عمر بینا یافتم از فضل حق	جلوهٔ او دیده‌ام از چارسو
دارم امید از طفیل مصطفی	عفو حق ساز و مرا هم سرخرو ^۱

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

فعالیت‌های ادبی و فرهنگی سید عبدالجبار شاه خاموش کریری

سید عبدالجبار خاموش کریری باتوجه به مطالعهٔ بسیار وسیع خود بر زبان کشمیری،

۱. مناقب اولیا، سید عبدالجبار بخاری خاموش، ص ۲۰.

عربی، اُردو و فارسی تسلط داشت. در قرن بیستم میلادی شعرا و ادبای اندکی در کشمیر بودند که چون او به زبان فارسی توجه کرده‌اند. چنانچه قبلاً اشاره شد اغلب ادبا و شعرا در عصر حاضر به زبان اُردو و انگلیسی متمایل هستند، ولی خاموش دربارهٔ فارسی و گرایش قلمش به آن سو اظهار نظر کرده است. اگرچه در بعضی آثارش دربارهٔ اُردو، کشمیری و زبان عربی هم اظهار نظر کرده، اما زبان فارسی مورد توجه خاص وی بوده است.

خاموش کریری تصنیف کتاب‌ها را ادامه می‌داد و در نثر و نظم زبان‌های مختلف مانند کشمیری، اُردو و فارسی کتاب‌های معتبر از خود باقی گذاشت. موضوع کتاب‌هایی که وی به رشته تحریر آورده است بیشتر تصوف و عرفان است. کلام فارسی وی اغلب در مجله «الارشاد» چاپ شریعت‌آباد بدگام، کشمیر، مجله «همارا ادب» چاپ «جامو و کشمیر آکادمی آف آرت کلچر ایند لینگویجز» سرینگر و غیره منتشر شده است. آثار نظم و نثر فارسی و اُردو و کشمیری که از این شاعر و ادیب سرشناس به یادگار مانده و لازم به نظر می‌رسد که ما اینجا آن‌ها را مختصراً متذکر شویم، بدین قرارند:

۱. «أدعية القبور»: سال تصنیف ۱۳۵۱ هـ. یکی از مهمترین آثار خاموش «أدعية القبور» است که آن را به زبان عربی نوشته است. این کتاب در حقیقت راجع به اصول زیارت قبور است و گرچه کتاب به زبان عربی نوشته است اما تفسیر به زبان فارسی است. در این کتاب تفسیر دیگری نیز از احادیث پیامبر اسلام^ص بیان شده است. به طور نمونه عبارتی از این کتاب را در اینجا نقل می‌کنیم:

«زیارت قبور وقتاً فوقتاً مستحب است، و علی التواتر بدعت است، زایر را لازم است، بی‌پاجامه نباشد و چون به فاتحه و دعای مغفرت می‌خواند. بالمواجه یعنی به طرفی که روی میت می‌باشد و آن سمت مغرب است. همان طرف ایستاده یا نشسته ایصال ثواب سازد. دست اوزان داشته به طرف میت دعا کند... بدین وجه در نماز جنازه سجود و رکوع ممنوع است. ناله به طرف ما سواى الله رجوع و رکوع و خضوع و خشوع نه شود. ورنه نعوذ بالله منها شرک

پدید شده...»^۱.

۲. «نسخه دلدیر» الموسوم به «مروجه ختمات کشمیر»: وی این اثر را در سال ۱۳۵۲ هجری به اتمام رسانیده است. در این کتاب راجع به طریق ختم خوانی که عرفا در مراقبه انجام می‌دهند و ذکرها و فواید آن سخن گفته است. این نسخه به زبان فارسی نوشته است. در اواخر اوراق این نسخه به زبان فارسی نظم و مناجات درباره صوفیان و اولیای کرام نوشته شده است و مزید بر آن نسب‌نامه مؤلف یعنی سید عبدالجبار هم نوشته آمده است. مثلاً درباره نسب‌نامه خودش در اشعار زیر این طور تصریح می‌کند:

الهی به آن سیدالمرسلین	علی و حسنین زین‌العابدین
به باقر به جعفر الکاظم و رضا	تقی و نقی جعفر با هدا
سید علی اصغر و عبدالله	به احمد به آن میر محمود شاه
محمد به آن جعفر سیومین	به سید علی بخارا مکین
جلالست و سلطان احمد کبیر	جهانی جلال و محمد نصیر
علایی و فخرست و سید مرا	سعید و عزیز و شریف است یاد
به زاهد به قاسم به آن عبدالله	رحیم و کریم آن سیادت پناه
اسدالله آن پیر روشن ضمیر	حمیدست و سلطان عدیم‌النظیر
حریف و خلیل ست و عبدالعزیز	محمد خداوند عقل و تمیز

طفیل همین صاحبان ای خدا

نگهدار از عبدالجبار رنج و بلا^۲

این نسخه خطی مشتمل به نثر و نظم است و هنوز غیر مطبوعه.

۳. «الانتباه للسادات فی نکاح البنون و البنات» موسوم به «مفیدالعُقلا»؛ نسخه خطی، با ترتیب غیر مطبوعه. خاموش در این نسخه روایح عقد نکاح به نظر دین اسلام را مورد بحث قرار داده است. تاریخ اتمام این نسخه خطی مؤلف خود این طور رقم ساخت:

«این نسخه را به نام الانتباه للسادات فی النکاح البنون و البنات موسوم کردم.

۱. أدعية القبور، نسخه خطی، از سید عبدالجبار خاموش، ص ۱۳-۴.

۲. مروجه ختمات کشمیر، نسخه خطی، از سید عبدالجبار خاموش، ص ۴۲.

امید ناظرین بعد مطالعه‌اش هیچمدان مؤلف را به دعای خیر یاد فرمایند. به جای اغلاط قلم اصلاح جاری ساخته مؤلف را ممنون فرمایند: بقدر وسع در اصلاح کوشند اگر اصلاح نتواند بپوشند به تاریخ مبارک شب برات سنه یک هزار و سه صد و پنجاه و شش هجری نبوی به اختتام تألیف و اتمام تحریر رسید. الحمد لله رب العالمین»^۱.

زبان این نسخه فارسی است و بعضی عبارتها را به زبان عربی هم نوشته است. این نسخه در اصل در قالب نثر به رشته تحریر درآمده است، اما بعضی اشعار را هم در لابلای نوشته‌اش بیان نموده است. این کتاب در سال ۱۳۵۶ هجری صورت تمینق یافت.

۴. شجرة المراد: پنج حصه نسخه خطی با ترتیب، غیرمطبوعه. در نثر و نظم به زبان فارسی و این کتاب مشتمل به عنوان‌های مختلف است. مثلاً شجرة طریقت سلسله کبرویه میر سید علی همدانی^ح به نظم، شجره سادات کریری به نظم و نثر، ماده تاریخ‌های ولادت و وفات اسلاف کریری و غیره. خود صاحب تصنیف درباره این کتاب این طور می‌نویسد:

«این نسخه‌ایست مشتمل بر بحث حسب و نسب سادات کریری و غیره به طور شخصی. معمای صحت اغلاط شجره‌های دیرینه و غیره و غیره... مخفی مباد که اکثر سادات این موضوع نسبی سیدند نه حسبی»^۲.

۵. «عرایس کشمیر»: به زبان کشمیری.

۶. «مناقب اولیا»: این کتاب مجموعه‌ایست در مناقب پیامبر اسلام^ص و اولیای کرام که آن را به سه زبان اردو، کشمیری و فارسی در نظم سروده است. مطبوعه.

۷. «زمزمه مناجات و نعوت» در زبان فارسی، اردو و کشمیری به نظم نوشته است. در حقیقت این مجموعه را راجع به مناجات به درگاه حضرت محمد مصطفی^ص و منقبت اولیای کرام بیان نموده است. این کلام در سال ۲۰۱۱ میلادی چاپ شده است.

۱. مفید العُقلا، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، ص ۱۷.

۲. شجرة المراد، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، ۱۷.

۸. «شهادت‌نامه»: یکی از مهم‌ترین آثار خاموش «شهادت‌نامه» است. در اصل این اثر راجع است به شهادت امام حسین^ع عالی‌مقام و دیگر شهدای آل رسول^ص یعنی اشعاری مبنی بر تذکره مصایب اهل بیت که نشان‌دهنده دل‌بستگی بسیار شاعر با خاندان اهل بیت. وی با سرودن اشعار اندوهگین در شهادت امام حسین^ع نشان داده است که به یاد مظلومیت امام حسین^ع ابیات مؤثر غم‌انگیز لطیف ساخته. مثلاً به یاد امام حسین عالی‌مقام و دردهای واقعه کربلا این طور در شعر زیر احساسش را بیان می‌کند:

از فراق سیدالشهدا شدم بس دلفگار سینه‌ام از واقعات کربلا شد لاله‌زار^۱

اما زبان متذکره مجموعه کلام بیشتر کشمیری زبان است، و بعضی شعرها را هم به زبان فارسی سروده است.

۹. «لغت» این لغت مشتمل بر واژه‌های زبان اردو، عربی، کشمیری و فارسی است.

۱۰. «سیلاب‌نامه ۱۹۵۷ میلادی»: به زبان فارسی و در قالب نظم.

۱۱. «آسان حساب» به زبان کشمیری در نثر نوشته است.

۱۲. «شروط رهنمای».

۱۳. «غزلیات خاموش» این مجموعه مشتمل به غزلیات فارسی، اردو و کشمیری است.

۱۴. «مناجات به درگاه قاضی الحاجات» به زبان فارسی، اردو و کشمیری در نظم است.

۱۵. «آئینه زمانه».

۱۶. «مجموعه مرثیه»: این مرثیه شاعر بر اموات علمای بزرگ کشمیر و بر اموات

استادش که قبلاً تذکر شده است، سروده‌اند. زبان این اثر فارسی است و این

مجموعه کلام با ترتیب، هنوز غیرمطبوعه است.

۱۷. «رساله همدانیه»: به زبان فارسی در نظم بیان نموده و این رساله را در توصیف میر

سید علی همدانی سروده است.

۱۸. «آئینه حالات زمانه» موسوم به «رباعیات خاموش کریری». رباعیات خاموش کریری

یکی از مهم‌ترین آثار شعری خاموش به شمار می‌رود که مشتمل بر سه باب است:

۱. شهادت‌نامه، سید عبدالجبار خاموش، ص ۵۷.

باب اول رباعیات کشمیری، باب دوم رباعیات اردو و باب سوم رباعیات فارسی. رباعیاتی که به زبان فارسی در این اثر خاموش کریری در باب سوم دیده می‌شوند تعدادشان هفتاد و چهار است. موضوعات رباعیات خاموش همچنانی که در اکثر تصنیفات وی دیده می‌شود تصوف و عرفان است. اما در بعضی از رباعیات خود رباعیات عمر خیام را پیروی نموده است، یعنی موضوع بی‌ثباتی دنیا، اخلاق و پند و موعظت و غیره...

شعر و شاعری خاموش کریری

سید عبدالجبار خاموش کریری علاوه بر آن که صاحب تصنیف‌هاست، یک صوفی بزرگ و ولی کامل بوده، استاد شعر و سخن و عالم بلندمرتبه و فاضل نیز بود. در قرن بیستم میلادی در کشمیر خاموش یکی از شاعران ارجمند و با عظمت بود. او تقریباً در بیست و شش سالگی شوق و استعداد سرودن شعر را در خود احساس نمود و به صورت پراکنده شعرهایی می‌نوشت. او محافل علمی و ادبی را دوست می‌داشت و اکثر اوقات با شاعران معاصر مانند مولانا فطرت کشمیری، سید علی گوهر بخاری، سید شریف‌الدین بینوا، نظیر احمد گوهر، منظور عشوی، نشاط انصاری، تنها انصاری، شمس‌الدین حیرت کاملی و غیره مجالست داشت.

از آثار خاموش معلوم می‌شود که آغاز شعر فارسی وی مصادف بود با وفات ناگهانی استادش مولوی عنایت‌الله بخاری و مولوی ثناء‌الله که در سال ۱۳۶۴ هـ اتفاق افتاد. چنانچه از جدایی و به یاد همین استادها خاموش زارزار گریه می‌کند و این غم از دست دادن استادها او را خسته می‌کند. وی با لحن شاکیه و با لهجه پُردرد مخاطب به فلک بی‌رحم این‌طور در قالب مرثیه می‌گوید:

دو هم‌نام و هم‌عصر و هم‌قوم آه بی‌گناه مانند خورشید و ماه

قران یافتند هردو در برج موت به تقدیر حق هردو گشتند فوت^۱

خاموش در اصناف شعرا مختلف فارسی، اردو و کشمیری مانند رباعی، غزل،

۱. نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، ص ۱۵۲.

قصیده، مرثیه، نظم، مثنوی و نعت و مناجات طبع آزمایی می‌کرد. ولی ما اینجا فقط اشعار فارسی وی را متذکر می‌شویم:

گرچه اشعار فارسی خاموش مشتمل بر مختلف اصناف شعرند، ولی مهم‌ترین آثار شعر وی مشتمل بر رباعیات و نعت و مناقب است. موضوع رباعیات وی تصوف و عرفان است. نیز در کلام وی معرفت حق، حق‌شناسی سوزوگداز، درد دین اسلام، توحیدپرستی، وجد عرفان و غیره به طریق احسن به نظر می‌رسد. مثلاً می‌گوید:

ای دل تو شکسته باش و خاموش در یاد حق مست باش و مخروش
که سبوی درست به دست گیرند بشکسته سبوی برند بر دوش

*

مسلمانان گر مسلمانی براند بلد زد وانگهی تاییب بماند
وگر نامحرم از اسلام باشد به جز خود دیگری انسان نداند^۱

*

گلاب از بوی خوش اندر وقارست ز بدخویی و لیکن خار خوارست
ندانی تا نپرسی از دل خویش چگونه حکمت پروردگارست^۲

خاموش در حقیقت از جام و شراب و می معشوق در رباعیات خودش اسرار و رموز صوفیانه هم به انداز مؤثر بیان کرده است. این شاعر متصوف در دام گل‌رخان زمینی اسیر نیست، البته در آتش محبوب حقیقی یعنی برای رضاطلبی خالق ذوالجلال مانند اسپند سوزان است. می‌گوید:

هرکه صادق می‌بود اندر طلب هرچه خواهد روز را یابد به شب
بوالهوس هرگز نگردد کامیاب لیس الانسان الا نکتته باب^۳

جای دیگر می‌گوید:

زندگانی خوش بخواهی از تکلف دور باش وز تعلق بگذر و وقت اجل مسرور باش
موت وجه شادی و هم باعث آزادی است همچو پروانه ولی خاموش محو نور باش^۴

۱. رباعیات خاموش کریری، سید عبدالجبار خاموش، مطبع سید محمد مقبول بخاری، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۲۹.

۳. همان.

۴. همان.

دل بستگی خاموش کریری با خاندان رسول ص و آل رسول ص بسیار بوده است. وی علاقه معنوی و عشق عارفانه با باب العلم امام علی ابن ابوطالب در رباعیات اش این گونه بیان می نمایند:

بای بسم الله نبی ص و نقطه آن با علی ع رهنمای خویش با من گفت از روشندلی
شأن حیدر فهم کن خاموش تا آگه شوی از رموز باب شهر علم و حلم آن ولی^۱

این شاعر موصوف جای دیگر در معرفت نواسه رسول ص امام عالی مقام حضرت امام حسین ع و اظهار عقیدت با ایشان می کند، و نیز از مظلومی نواسه رسول ص زندگی خود با درد و غم و اندوه می گذرانید، و به یاد ناله های غم انگیز و دل خراش خود این طور اشکبار سرود:

هر که را حب حسین ع نبود بلی باشد یزید بشنود او از جهنم نعره هل من مزید
یاد کن مظلومی آن نور چشم مصطفی ص اشک افشان باش چون خاموش از روی صفا^۲

از بعضی رباعیات خاموش کریری معلوم می شود که وی در رباعی سرایی از عمر خیام پیروی نموده است. اما اغلب رباعیات خاموش موضوع جداگانه دارد، ابیاتی بس بلند و ارجمند دارد که به نظرم آنها را باید در زمره بهترین ابیات «رباعیات خاموش»، به شمار آورد. من ابتدا این ابیات را نقل می کنم و سپس با تحلیلی کوتاه از آنها ادامه می دهم:

به جز محنت نیابد هیچ کس گنج به میزان فراست این سخن سنج
کهالت را پریشانی است لازم بیندازد جلالت در شش و پنج^۳

*

وقار از کار یابی کارکن کار نباشد هیچ کس بی کار را یار
هر آن کو کاهلی را پیشه سازد بر او دایم بود زنگار ادبار^۴

*

گلاب از بوی خود یابد خریدار ز بدرویی ذلیل و خوار شد خار

۱. رباعیات خاموش کریری، سید عبدالجبار خاموش، ص ۲۲۹.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

عزیزست آن که باشد صاحب هوش ذلیل است آنکه دارد جهل و پندار^۱

این سه رباعی را باید گیتی‌شناسانه تفسیرکرد و از آنها در زندگی بهره‌ها برد. خاموش می‌گوید سعی در کسب و هنر کن تا خود را بشناسی. او به ما یک‌جور روشناسی مثبت می‌آموزد تا به خودمراقبتی پردازیم، و خود را از آسیب‌های زندگی در امان بداریم. یعنی آدمی نیکی و بدخویی خود را به واسطه دانش و عقل انتخاب می‌کند، و بدون محنت نباید هیچ‌کس گنج یابد. کاهلی انسان را خوارکرده و دشواری‌های جهان و گره‌های عمر انسان به واسطه کسب و هنر و کار گشوده گردد. و گرنه بی‌کاری انسان را ذلت و رسوایی می‌دهد. خُنک آن‌کس که کاهلی را از خود دورسازد. پس گران‌بهاترین گوهر عمر آدمی عقل و هنر است، و نباید که جهل و پندار جای آن بنشیند.

خاموش در تصوف و عرفان از عقاید و افکار مولانا فطرت، شیخ یعقوب صرفی، خواجه حبیب‌الله نوشهری تقلید نموده است. نیز از افکار صوفیان دیگر مانند حافظ، رومی، جامی و در اخلاق از سعدی هم تقلید نموده است. چنانچه از کلام وی معلوم می‌شود که وی در پیروی مولانا رومی، سعدی، حافظ، جامی و فطرت و غیر آن غزل، نعت و مناقب سروده است.

خاموش کریری یک مرد مستغرق بود و در شعر این نابغه روزگار رنگ توحید و بوی وحدانیت وجود دارد. جلوه یار متاعی است که شاعر برای تحصیلش همه تن آه و ندا هست. وی در ضمن عشق خداوند کریم را حقیقت به توبه تصور می‌کند، که موجب تطهیر گناهکاران و عاصیان است، این‌گونه اشعار وی انسانی را تجسیم می‌کند که تنها پرستار و طلبگار حق تعالی باشد. می‌گوید:

احوال منت همه عیان است	ز آن وجه نه حاجت بیان است
شک نیست که بر در شهنشاه	مسکین به ناله و فغان است
رحمی و عنایت و کرامت	هر وقت ز عادت شهان است
سامان نکو به کف ندارم	دامان تو باعث امان است
پنجاه گذشت و بنده اکنون	در خاک‌بازی چو کودکان است

۱. رباعیات خاموش کریری، سید عبدالجبار خاموش، ص ۲۲۹.

چون طبل تهی همی خروشم صد عیب به باطنم نهان است
 تو سایه خوشگوار مایی بنگر به گدا که میزبان است
 صد شکر که از عنایت تو
 خاموش به زیر سایبان است^۱

این شاعر روحانی از دل و جان عاشق رسول^ص بود و حصه‌ای بزرگ از اشعارش را در توصیف پیغمبر حضرت محمد مصطفی^ص نثار کرده است. چون آن حضور خاتم‌النبین و خاتم المرسلین است و اسم مبارک نبی کریم با کلمه معظم لا اله الا الله پیوسته است. خداوند ذوالجلال نبی کریم^ص را سرچشمه این جهان نموده است. دل خاموش همه وقت برای عاشق حقیقی می‌سوزد. پس از مناجات باری تعالی وی نعت رسول مقبول خوب می‌سروده است. گرچه در توصیف آن حضرت^ص نعت بسیار گفته است، اما اینجا به طور نمونه چند نعت وی را ملاحظه فرمایید:

ای ماجور عرب و عجم نیم‌نگاهی بر حال من موی سپید روی سیاهی
 افسوس که شد عمر عزیزم به ملامتی گمراه شدم بهر حق بنما کنون راهی
 در ورطه غم کشتی ام ناگاه که فتادست ای بادِ مراد زیر دامان بخش پناهی
 نیکان به جهان توشه عقبی به دست آرند از من نیاید هیچ به جز ناله و آهی
 گیرم که به کف نقد عمل هیچ ندارم بدکارم و نادارم و سرگشته تباهی
 آخر سگ درگاه توام کمترین خاموش
 لله فراموشم مکن از لقمه تو گاهی^۲

جای دیگر به خدمت آن حضرت^ص با عجز و انکساری چنین شعری سروده است:
 گوش کن فریاد من یارحمة للعالمین یک‌نگاهی کن به عالم تا به کی نالم چنین
 دیده گریان سینه بریان آدمم با صد امید همچو بیدرد لرزه افتادم بسی اندوگهین
 بدعمل خاموش نالان آمد اکنون گوش کن
 زاریش بشنیده فرما یاریش فی کلّ حسین^۳

۱. مناقب اولیا، سید عبدالجبار بخاری خاموش، ص ۶۵

۲. نسخه خطی، بیاض خاموش، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۱۶.

سوز و درد، جذبات و تپش و عشق الهی بر دل خاموش چه قدر غالب بود که وی برای وصل محبوب حقیقی هرساعت چشم به راه نظر می‌آید، و این درد وصال او را خسته می‌کند، چون برای روشن ساختن این مطلب به درگاه الهی سر به سجده می‌زند و آرزوهایش را با انکساری این‌طور بیان می‌کند:

بسی در اضطرابم یا الهی	ز سر بگذشت آبم یا الهی
به سر آمد سراسر مایه عمر	فقط در خورد و خوابم یا الهی
فتاده زورقم در ورطه غم	به ساحل ره نیابم یا الهی
ندارم جز تو کس غمخوار و یاور	بسی در پیچ و تابم یا الهی
چو ارشاد تو شد نصر □ من الله	رها کن زین عذابم یا الهی
دل من سوخت از نار گناهان	بده از عفو آبم یا الهی
ز بند رنج و غم آزاد فرما	به پاس آن جنابم یا الهی
به حق اهل بیت ^۱ و هم صحابه	نما راه صوابم یا الهی

منم خاموش، زاری گوش فرما

به حق بوثرابم^۱ یا الهی

خاموش در صنف غزل هم شعر سروده است و طبع موزون داشت. در قرن بیستم میلادی در کشمیر خاموش یکی از آنان است که سوز درون را به زبان عرفان در قالب غزل ریخت. بعضی از غزلیات وی چنین است که هم خیال شاعر بزرگ ایران حافظ شیرازی یافته می‌شود و معانی که حافظ شیرازی در شعر وارد کرده است در شعر خاموش نیز منعکس می‌شود. گرچه در مجموع وی مستقیماً از حافظ شیرازی در غزلیات تقلید نمی‌کند اما از بعضی غزلیات وی معلوم می‌شود که کلام حافظ را صریحاً زیر نظر داشته است. برای روشن‌تر ساختن این نکته بیتی چند در برای مقابله آورده می‌شود:

حافظ:

واعظان کین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند	چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
مشکلی دارم ز دانشمند محفل باز پرس	توبه فرمایان چرا خود تو به کمتر می‌کنند ^۲

۱. زمزمه مناجات و نعوت، حصه اول، سید عبدالجبار خاموش، ص ۵۵، ۵۶.

۲. شعرالعجم، جلد دوم، مولانا شبلی نعمانی، ص ۲۴۸.

خاموش:

پیر گوید داستان باستان در بدر گردد پریشان در جهان
 درگدائی چابک و عیار و مست خویش را سازد ذلیل و خوار و پست
 دیگران را می‌نماید وعظ و پند خود نفهمد فرق اندر زهر و قند^۱

متذکره بالا اشعار هردو شاعر است که درباره فریب‌کاری و ریاکاری زاهدان ظاهرپرست بیان نموده‌اند، و از لحاظ موضوع یکسان‌اند، ولی قالب شعر هردو شاعر جداگانه‌اند. نیز آن مرتبه که در غزلیات حافظ شیرازی گرفته خاموش نرسیده است.

قبلاً اشاره شده که خاموش بر فن رباعیات، غزلیات، نظم، قطعه و نعت و منقبت و غیر آن در مرثیه‌گویی نیز دسترس دارد. گرچه عده‌شان کم است، اما نازک و لطیف و دردناک است. مثلاً بر وفات میر و عیظ کشمیر مولوی عتیق الله که در سال ۱۹۶۲ میلادی اتفاق افتاد، وی مرثیه‌ای سرود اینکه ابیات چند از وی اینجا نقل می‌کنیم:

آه مولانا عتیق الله رفت در سحاب موت همچون ماه رفت
 عالم اسلام شد تاریک و تار ماه کنعان بود اندر چاه رفت
 از دل محزون هو المغفور آه سال نقلش آمد آن ذی‌جاه رفت

۱۳۱۸ هـ

صبر کن ای دل دمی خاموش باش ز آنکه دود آه تو بر ماه رفت^۲

نتیجه

سید عبدالجبار خاموش کریری در زمینه غزل، رباعی، مرثیه، نظم، قطعه، نعت و مناجات افکار زرینش را اظهار کرد. با مطالعه آثار وی معلوم می‌شود در کلام او عکس عرفان پیشروانی مثل حافظ، سعدی، جامی، صرفی کشمیری، حبیب‌الله نوشهری و مولانا مبارک‌شاه فطرت کشمیری چشم می‌برد. وی در شعر عرفانی اصطلاحات پیشروان مذکور را به کار برده است. اما شاعر موصوف اساساً شاعر رباعیات و نعت و مناجات است و در تقلید ابوسعید ابوالخیر، شمس‌الدین غمگین، مبارک‌شاه فطرت و غیره آن شعر سروده

۱. نسخه خطی، خاموش کریری، غیر مطبوعه، ص ۱۲۰.

۲. مرثیه خاموش، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش، غیر مطبوعه، ص ۵۴.

است. رباعیات خاموش موضوع گوناگون دارد. مثلاً عشقیه، اخلاقیه و صوفیه هریک جداگانه وصفی دارد. اما خود از بعضی رباعیات عمر خیام پیروی نموده است. لهذا بعضی از رباعیات وی دارای فلسفه خیام یعنی بی‌ثباتی دنیا است.

با مطالعه کلام وی معلوم می‌شود که سبک شعر خاموش بازگشت، یعنی سبک عراقی و خراسانی است. در اشعار وی سادگی و روانی سبک خراسانی فراوان به نظر می‌رسد. وی با فصاحت کلام آشنا است در اشعار خود فصاحت کلام را از دست نمی‌دهد، چون فصاحت روح کلام و وسیله‌ای است که اشعار را جاذب و لطیف می‌سازد. اما از نظر شاعر موصوف مفاهیم و معنی هم شعر را شیرین می‌سازد. زمان خاموش در کشمیر گرچه گسترش زبان و ادبیات فارسی خیلی رو به کاهش بوده است، اما این دلیل باعث فخر است که وی در چنین شرایطی زبان ادبیات فارسی را از دست نداده است، بلکه با این زبان فارسی دلبستگی فراوان ظاهر نموده است. او در نثر و نظم بیشتر از بیست و پنج کتاب به زبان فارسی، اردو و کشمیری نوشته و اغلب آن به زبان فارسی است. نیز اسلوب تألیفاتش صاف و پاک است. علاوه بر این خاموش کریری اعتقاد و عقاید و افکار دیگر بی‌شمار هم دارد، که در این مقاله به خوف طوالت تذکره کامل آنها نیست شده است، بلکه هنوز تشنه تحقیق است.

به طور مجموع می‌توان گفت که سید عبدالجبار خاموش کریری تخیل بلند دارد و قادرالکلام ادیب و شاعر زمان بوده است، و علم و ادب‌پرور هم بوده است. در کلام وی یک خزانه علم پنهان است. چه خوش گفته:

علم چیزی عقل چیزی بخت چیزی دیگر است

اصل چیزی نقل چیزی شکل چیزی دیگر است

نوش چیزی گوش چیزی هوش چیزی دیگر است

خامشی چیزی دگر خاموش چیزی دیگر است^۱

۱. رباعیات خاموش کریری، سید عبدالجبار خاموش، ص ۲۴۴.

منابع

۱. دانش، مجله ادبی و تحقیقی، شعبه فارسی دانشگاه کشمیر، سال ۱۹۷۹ م.
۲. رباعیات خاموش کریری، سید عبدالجبار خاموش کریری، مطبع سید محمد مقبول بخاری، الطاف استیدیو، قصبه کریری، پتن باره موله، ۲۰۱۴ م.
۳. زمزمه مناجات و نعوت، حصه اول، سید عبدالجبار خاموش کریری، مطبع اقبال استیدیو کنزر ماگام، ۲۰۱۱ م.
۴. شجره المراد، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش کریری.
۵. شعرالعجم، جلد دوم، مولانا شبلی نعمانی، اشاعت اول تاجران کتب علوم مشرقیه کشمیری بازار لاهور، پاکستان، ستمبر ۱۹۴۱ م.
۶. شهادت نامه، سید عبدالجبار خاموش کریری، مطبع الطاف استیدیو، قصبه کریری، پتن باره موله، ۲۰۱۴ م.
۷. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، عبدالقادر سروری، ناشر مجلس تحقیقات اردو، سرینگر، کشمیر، سال ۱۹۶۸ م.
۸. مرثیہ خاموش، نسخه خطی، سید عبدالجبار خاموش کریری.
۹. مناقب اولیا، سید عبدالجبار بخاری خاموش کریری، مطبع الطاف استیدیو، قصبه کریری، پتن باره موله، ژانویه ۲۰۱۲ م.